

A Cognitive-Textual Approach to the Social Verses of the Qur'an Based on John Searle's Speech Act Theory

Zohreh Babaahmadi Milani ¹, Abdolvahid Navidi ²

1. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
(Corresponding Author) Z.babaahmady@scu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
a.v.navidi@scu.ac.ir

Research Article



Abstract

The social verses of the Qur'an, as a significant part of the revealed teachings, play a foundational role in explaining human relations, organizing society, and guiding collective conduct. The importance of these verses has become all the more evident, particularly in the contemporary age, wherein societies are confronted with multiple challenges. Analyzing such verses is crucial not only for a more precise understanding of the Qur'an's social teachings but also for enhancing human interactions and realizing social justice. On the other hand, John Searle's Speech Act Theory, with its emphasis on the functional dimensions of language and the manner in which speech influences behavior and social relations, provides a novel framework for a deeper comprehension of the Qur'an's social messages. Accordingly, this study, to conduct a cognitive-textual analysis of 120 randomly selected social verses of the Qur'an, endeavors—through an interdisciplinary perspective and employing a descriptive-analytical method—to examine the various dimensions of the Qur'anic social message from the standpoint of speech act functions. The findings indicate that the social verses, in addition to presenting foundational social concepts through diverse linguistic structures and speech acts, function to guide, exhort, reform, and direct individual and collective behavior. Each of these speech acts in the social verses of the Qur'an has been employed with specific aims and functions. Assertive acts (35.71%) are utilized for articulating religious and doctrinal truths, explicating rulings, and describing the condition of the believers and the disbelievers. Directive acts (34.59%) are manifested through imperative verbs, prohibitive sentences, warnings, as well as rhetorical and reproachful interrogatives, inviting the audience to perform or abstain from particular actions. Expressive acts (13.16%) appear in verses that convey divine emotions such as anger, aversion, love, or sympathy with the servants, serving to exert a deeper influence upon the audience and stir their emotions. Declarative acts (9.77%) are employed for describing divine and social realities and play a role in explicating social truths and teachings. Commissive acts (6.77%), in the form of oaths, promises, and divine threats in the social verses of the Qur'an, express the guarantee and commitment to the fulfillment of an action.

Keywords: Social Verses of the Qur'an; Cognitive-Textual Analysis; Speech Act Theory; John Searle

Received: 2025-05-24 | Received in revised from: 2025-07-10 | Accepted: 2025-06-22 | Published online: 2025-08-18

◆ How to cite: Babaahmadi Milani, Zohreh, Navidi, Abdolvahid(1404SH): A Cognitive-Textual Approach to the Social Verses of the Qur'an Based on John Searle's Speech Act Theory, *quran and social sciences*, 2(18), p36-67, [10.22034/arq.2025.525441.1481](https://doi.org/10.22034/arq.2025.525441.1481)

©2025. Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



arq.quran.ac.ir

تحلیل متن شناختی آیات اجتماعی قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل

زهره بابا احمدی میلانی^۱، عبدالوحد نویدی^۲

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) Z.babaahmady@scu.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران a.v.navidi@scu.ac.ir

بزرگ‌هشی



چکیده

آیات اجتماعی قرآن کریم، به‌عنوان بخش مهمی از آموزه‌های وحیانی، نقش بنیادینی در تبیین روابط انسانی، سامان‌دهی جامعه و هدایت رفتارهای جمعی ایفا می‌کنند. اهمیت این آیات، به‌ویژه در عصر حاضر که جوامع با چالش‌های متعددی مواجه‌اند، دوچندان شده است. تحلیل این آیات، نه‌تنها در فهم دقیق‌تر آموزه‌های اجتماعی قرآن، بلکه در ارتقای سطح تعاملات انسانی و تحقق عدالت اجتماعی اهمیت دارد. از سوی دیگر، نظریه کنش گفتاری جان سرل، با تمرکز بر ابعاد کارکردی زبان و نحوه تأثیرگذاری گفتار بر رفتار و مناسبات اجتماعی، بستری نوین برای فهم ژرف‌تر پیام‌های اجتماعی قرآن فراهم می‌آورد. بر این اساس، مقاله حاضر با هدف تحلیل متن شناختی ۱۲۰ آیه از آیات اجتماعی قرآن کریم که به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، تلاش می‌کند تا با رویکردی میان‌رشته‌ای و با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، ابعاد مختلف پیام‌های اجتماعی قرآن را از منظر کارکردهای گفتاری بررسی کند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که آیات اجتماعی، افزون بر ارائه مفاهیم بنیادین اجتماعی با بهره‌گیری از ساختارهای زبانی و کنش‌های گفتاری متنوع، در جهت هدایت، ترغیب، اصلاح و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی جامعه عمل می‌کنند. هر یک از این کنش‌های گفتاری در آیات اجتماعی قرآن، با اهداف و کارکردهای خاصی به‌کاررفته است. کنش‌های اظهاری (۳۵٫۷۱٪) برای بیان حقایق دینی و اعتقادی، تبیین احکام و توصیف وضعیت مؤمنان و کافران به‌کاررفته‌اند و کنش‌های ترغیبی (۳۴٫۵۹٪) از طریق افعال امری، جملات نهی، هشدارها و استفهام‌های انکاری و توییخی تجلی‌یافته و مخاطب را به انجام یا ترک عملی خاص دعوت می‌کند. کنش عاطفی (۱۳٫۱۶٪) در آیاتی که بیانگر احساسات الهی همچون خشم، نفرت، محبت یا همدردی با بندگان است، به چشم می‌خورد و در جهت تأثیرگذاری عمیق‌تر بر مخاطب و برانگیختن احساسات او عمل می‌کند. کنش اعلامی (۹٫۷۷٪) برای توصیف واقعیت‌های الهی و اجتماعی به‌کاررفته و در تبیین حقایق و آموزه‌های اجتماعی نقش دارد. کنش تعهدی (۶٫۷۷٪) نیز در قالب سوگندها، وعده‌ها و تهدیدهای الهی در آیات اجتماعی قرآن، ضمانت و تعهد بر انجام کاری را بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آیات اجتماعی قرآن، تحلیل متن شناختی، نظریه کنش گفتاری، جان سرل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

◆ استناد به این مقاله: بابا احمدی میلانی، زهره؛ نویدی، عبدالوحد (۱۴۰۲): «تحلیل متن شناختی آیات اجتماعی قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل»، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۳(۱۸)، ۳۶-۶۷. 10.22034/arq.2025.525441.1481

۱. مقدمه

در روزگار معاصر، اهمیت قرآن نه تنها به عنوان یک متن مقدس دینی، بلکه به عنوان راهنمایی جامع برای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، بیش از پیش برجسته شده است. جامعیت و جاودانگی قرآن به گونه‌ای است که برنامه‌ای جامع برای رشد و کمال تمام انسان‌ها ارائه داده و سعادت دنیا و آخرت آنان را تأمین کرده است. روشن است که در زمان ما، بیش از هر زمان دیگری، بشریت تشنه چنین برنامه‌ای است (مؤدب و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). بر این اساس، قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت الهی، در روزگار معاصر، به ویژه در مواجهه با چالش‌های پیچیده اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، از اهمیت فراوانی برخوردار است. بررسی آیات اجتماعی قرآن می‌تواند راهکارهایی عمیق و پایدار برای حل مشکلات جامعه ارائه دهد. تا آنجا که برخی از اندیشمندان اسلامی، نادیده گرفتن ابعاد اجتماعی اسلام و آیات قرآن را دسیسه دشمنان اسلام دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸ - ۱۰). مهم‌ترین شاهد برای اجتماعی بودن اسلام این است که در متون دینی (کتاب و سنت)، مسائل اخلاقی و احکام به صورت اجتماعی تشریح شده است؛ چنان که خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که نسبت به یکدیگر صابر بوده و با هم رابطه داشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ۱۷: ۲۱۲).

امروزه بشر با وجود پیشرفت‌های مادی، با بحران‌های معنوی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی روبه‌رو است و در بررسی مسائل اجتماعی جامعه، نوع گفتگوی افراد در موقعیت‌های مختلف یک موضوع، کنش و واکنش‌ها چالش برانگیز است (کریمی بیرانوند و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۰). قرآن، به عنوان کتابی جامع و جاودان، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در راهنمایی بشر برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی ایفا کند: «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲). مطالعه آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که بسیاری از آیات آن به مسائل اجتماعی مانند عدالت، حقوق بشر، خانواده، اقتصاد و اخلاق اجتماعی پرداخته‌اند. بررسی این آیات می‌تواند الگویی مناسب برای نظام‌های اجتماعی

امروز و همزیستی مسالمت‌آمیز - باوجود تنوع فرهنگی - به جامعه بشری ارائه دهد: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳)؛ بنابراین بررسی آیات اجتماعی قرآن در عصر حاضر، تنها یک ضرورت دینی نیست، بلکه یک نیاز علمی و عملی برای حل معضلات جامعه است.

پژوهش حاضر نیز در راستای تحقق چنین هدفی، بر آن است تا بر اساس یکی از نظریه‌های جدید، به بررسی و تحلیل متن‌شناختی آیات اجتماعی قرآن کریم پردازد. نگارندگان بر این باورند که کاربست نظریه‌های جدید، امکان فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر از نظام‌ها و سنت‌های اجتماعی نهفته در قرآن را فراهم می‌کند. این رویکرد کمک می‌کند تا هم ابعاد اجتماعی آیات، با توجه به تحولات و نیازهای جدید جوامع، تحلیل شود و در نتیجه، ابعاد تازه‌ای از اعجازی اجتماعی قرآن آشکار گردد و هم موجب پویایی، کارآمدی و روزآمدی تفسیر اجتماعی شده و زمینه را برای بهره‌گیری عملی‌تر از آموزه‌های قرآنی در حل مسائل جامعه معاصر فراهم کند. در این میان، نظریه کنش‌گفتاری جان سرل، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های معاصر در تحلیل متون، ابزاری کارآمد برای بررسی لایه‌های پنهان معنایی و اهداف ارتباطی آیات اجتماعی قرآن است. این نظریه با تمرکز بر انواع کنش‌های زبانی و مقاصد گوینده، امکان درک عمیق‌تری از تعاملات اجتماعی مطرح‌شده در قرآن را فراهم می‌کند و در تحلیل اینکه آیات قرآن چگونه در بافت اجتماعی عمل می‌کنند و چه تأثیراتی بر مخاطبان می‌گذارند، کاربرد فراوانی دارد. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو برای کشف لایه‌های پنهان کارکرد اجتماعی آیات قرآن، بر آن است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظریه مزبور، برای سؤالات زیر پاسخ مناسبی پیدا کند:

۱. انواع مختلف کنش‌های گفتاری در آیات اجتماعی قرآن کریم کدام‌اند؟
۲. هر یک از این کنش‌ها چه نقشی در درک و فهم آیات اجتماعی قرآن کریم دارند؟

۳. از تحلیل این کنش‌ها و روابط بین آن‌ها چه نتایج حاصل می‌شود؟

۲. پیشینه پژوهش

هیچ پژوهشی در خلأ شکل نمی‌گیرد و هر حوزه علمی مبتنی بر پیشینه‌ای از مطالعات و تحقیقات پیشین است. درزمینه قرآن کریم نیز، حجم گسترده‌ای از پژوهش‌ها به ابعاد مختلف این متن مقدس اختصاص یافته است. افزون بر این، نظریه کنش گفتاری جان سرل طی سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در مطالعات زبان‌شناختی یافته و پژوهشگران بسیاری از این رویکرد برای تحلیل متون دینی و به‌طور خاص قرآن کریم بهره برده‌اند. در میان پژوهش‌های انجام‌شده، برخی به‌طور خاص به کاربرد نظریه کنش گفتاری سرل در تحلیل سوره‌های قرآن کریم پرداخته‌اند.

ملاابراهیمی و سپهر (۱۴۰۱) در پژوهشی توصیفی تحلیلی با عنوان «کنش گفتاری سرل در گستره کاربردشناسی زبان (مطالعه موردی سوره یاسین)»، گونه‌های کنش گفتار را در سوره یاسین بررسی کردند و تأکید نمودند که بافت آیات نقش تعیین‌کننده‌ای در شناسایی انواع کنش‌ها دارد. مطوری (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل سوره مرسلات بر پایه نظریه کنش گفتاری»، با تلفیق نظریه‌های آستین و سرل، کنش‌های گفتاری سوره مرسلات را تحلیل کرد. مهرناز و همکاران (۱۴۰۰) با روشی مشابه در پژوهشی با عنوان «تحلیل متن‌شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل»، سوره زمر را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های بافتی مانند موقعیت نزول آیات، بر نوع کنش‌های به‌کاررفته تأثیر مستقیم دارد. حسنونند (۱۳۹۸) نیز در مقاله «تحلیل متن سوره مریم بر اساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل» با تمرکز بر سوره مریم، الگوی سرل را مبنای تحلیل کنش‌های گفتاری قرار داد. خاکپور و همکاران (۱۳۹۷) سوره لقمان را در پژوهشی موسوم به «تحلیل متن شناختی سوره لقمان بر اساس نظریه کنش گفتار سرل»، کاربست نظریه سرل را در آیات تربیتی اخلاقی تبیین کردند و نقش کنش‌های تعهدی را در

انتقال پیام‌های هدایتی برجسته دانستند؛ و در نهایت حسینی معصوم و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، با روش تحلیل محتوا به مقایسه کنش‌های گفتاری در سوره‌های مکی و مدنی پرداختند.

بررسی این پیشینه نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های پیشین به تحلیل کنش‌های گفتاری در سوره‌های خاص یا داستان‌های قرآنی پرداخته‌اند و آیات اجتماعی قرآن کریم تاکنون به صورت مستقل و نظام‌مند از منظر نظریه کنش گفتاری مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بر همین اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکردهای نوین زبان‌شناختی و بر پایه نظریه کنش گفتاری سرل، به بررسی ساختارها و کارکردهای زبانی آیات اجتماعی قرآن کریم می‌پردازد و می‌کوشد خلأ موجود در این حوزه را برطرف سازد. این رویکرد می‌تواند افق‌های تازه‌ای را در تحلیل زبانی و معنایی قرآن کریم، به ویژه در حوزه مسائل اجتماعی بگشاید.

۳. چارچوب نظری

کاربردشناسی زبان، به‌عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی، به دنبال درک مقصود گوینده است. این رویکرد می‌کوشد با توجه به بافت و شرایط کلام، وضوح و شفافیت بیشتری در معنا و محتوا فراهم آورد. در حقیقت، «کاربردشناسی بر تمامی جنبه‌ها و عملکردهای زبان نظارت دارد. باین وجود، تمرکز اصلی این مکتب بیشتر بر فهم مقصود نویسنده و تأثیر کلام او قرار دارد» (یول، ۱۹۸۳م: ۱۹)؛ بنابراین در کاربردشناسی زبان، معنا از دیدگاه کاربران زبان و با توجه به مفاهیمی مانند معنای استلزامی، بافت، ارتباط و عملی که در پس آن‌ها قرار دارد، بررسی می‌شود. به گفته کوک: «برای دریافت معنای دقیق یک جمله و متن، به‌غیر از معناهای ظاهری و درج‌شده کلمات در فرهنگ لغت، عواملی همچون سن، جنس، موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان، اشتراکات فرهنگی

طرف‌های گفتگو نقش زیادی دارد که به این عوامل بافت گفته می‌شود» (کوک، ۱۳۸۸: ۵۷).

یکی از موضوعات مهم و کلیدی در حوزه کاربردشناسی زبان، نظریه کنش گفتاری است. به گفته فان دایک، «کنش به معنای اجرا و عمل است و کنش گزایی به معنای تولید لفظ در یک زمینه مشخص است که عملی را به دنبال دارد و موجب تغییر و تحول در جهان واقعی می‌شود» (فان دایک، ۱۹۹۹م: ۲۲۸). بر این اساس، کنش گفتاری به معنای انجام کاری از طریق گفتار است که خود به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. کنش گفتاری مستقیم زمانی است که «بین ساختار جمله و کارکرد آن، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد» (دسترنج و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۴)؛ یعنی جمله‌ای که گفته می‌شود، دقیقاً همان کاری را انجام می‌دهد که ساختار آن نشان می‌دهد. کنش گفتاری غیرمستقیم زمانی است که بین ساختار جمله و منظور گوینده، رابطه‌ای مستقیم وجود ندارد و منظور اصلی به صورت غیرمستقیم و از طریق یک کنش گفتاری دیگر بیان می‌شود (همان، ۷۴)؛ یعنی جمله‌ای که گفته می‌شود، در ظاهر معنایی دارد، اما منظور واقعی چیز دیگری است که باید از بافت و شرایط برداشت شود. «در جملات غیرمستقیم، کنش موردنظر به طور غیرمستقیم و از طریق کنش گفتاری دیگری بیان می‌شود» (چپمن، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

انواع نظریه کنش‌های گفتاری: یکی از مشهورترین زبان‌شناسانی که به بررسی ماهیت کنش‌های گفتاری و طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته است، جان سرل است. او معتقد است زبان تنها برای توصیف پدیده‌ها به کار نمی‌رود، بلکه در انجام و اجرای آن‌ها نیز نقش دارد. به این معنا که انسان از زبان برای درخواست انجام کاری (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و موارد مشابه بهره می‌گیرد سرل همه پاره‌گفتارها را کنشی می‌داند، حتی آن‌هایی که به نظر می‌رسد صرفاً حالت یا وضعیت امور را توصیف می‌کنند.

آنچه در نظریه کنش گفتاری اهمیت ویژه‌ای دارد، تحلیل «فعل مضمون در

سخن^۱ است که در حقیقت تعیین کننده معنا و عامل تحقق ارتباط زبانی است؛ بنابراین، تحلیل فعل مضمون در سخن در واقع تحلیل معناست که بر دو عنصر استوار است: نخست، قصد گوینده و دوم، قراردادهای و قواعد زبانی که انسان برای ابراز مقاصد خود وضع می کند (سرل، ۱۳۸۵: ۶۵). سرل با توجه به معیارهایی چون حالت روان شناختی، نحوه انطباق گفتار با جهان خارج و محتوای گزاره، کنش های گفتاری را به پنج نوع تقسیم می کند که عبارت اند از: کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش تعهدی و کنش اعلامی (سرل، ۱۹۷۵ م: ۳۴۴ - ۳۵۶).

کنش اظهاری^۲ آن دسته از کنش های گفتاری است که نشان دهنده باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه گیری و توصیف، نمونه هایی از کنش های گفتاری اند که گوینده از طریق آن ها دنیا را آن چنان که هست یا آن چنان که باور دارد، نشان می دهد.

کنش ترغیبی^۳ به آن دسته از کنش های گفتاری گفته می شود که گوینده با به کارگیری آن ها دیگری را به انجام کاری وامی دارد و بنابراین بیانگر خواسته های گوینده است. این گونه کنش ها شامل فرمان ها، دستورات، درخواست ها و پیشنهادها هستند و می توانند به صورت مثبت یا منفی باشند.

کنش عاطفی^۴ به معنای بیان احساسات و حالات روحی گوینده در هنگام صحبت کردن است. در این نوع کنش، گوینده نه سعی می کند واقعیت را با گفته هایش تطبیق دهد و نه گفته هایش را با واقعیت بیرونی هماهنگ کند، بلکه درستی و صحت جمله بیان شده، بدیهی و مسلم فرض می شود (نحله، ۲۰۰۳ م: ۸۰).

کنش تعهدی^۵ آن دسته از کنش های گفتاری اند که در آن ها گوینده خود را ملزم به انجام کاری در آینده می کند و بنابراین بیانگر قصد گوینده است. این کنش ها

1. Illocutionary act

2. Representatives act.

3. Directives act.

4. Expressives act.

5. Commissives act

دربگیرنده وعده‌ها، تهدیدها، سرباز زدن‌ها و تعهدها هستند (همان: ۷۹).
کنش اعلامی^۱ به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که بیان آن‌ها به تغییر اوضاع دنیای خارج می‌انجامد. برای انجام درست فرمان و اعلام، افزون بر نیاز به بافت خاص، گوینده نیز باید دارای نقش نهادی اجتماعی خاصی باشد (یول، ۱۹۸۳م: ۷۳-۷۶).

همان‌طور که می‌بینیم هر یک از این کنش‌های گفتاری بر اساس ویژگی‌های روان‌شناختی، نحوه انطباق با واقعیت و نقش ارتباطی خود، کارکرد متفاوتی در انتقال معنا و تحقق اهداف ارتباطی دارند. کنش اظهاری بر بیان باور و توصیف واقعیت متمرکز است؛ کنش ترغیبی بر تأثیرگذاری و واداشتن مخاطب به عمل تأکید دارد؛ کنش عاطفی بیانگر حالات و احساسات گوینده است؛ کنش تعهدی ناظر به تعهد گوینده نسبت به عملی در آینده است و کنش اعلامی با تغییر وضعیت بیرونی همراه است. این دسته‌بندی نه تنها امکان شناسایی دقیق تر مقاصد گوینده و نقش‌های زبانی را فراهم می‌آورد، بلکه با توجه به بافت موقعیتی و فرهنگی، تحلیل عمیق‌تری از متون دینی و اجتماعی، از جمله آیات قرآن کریم، ارائه می‌دهد.

۴. روش پژوهش

یکی از رویکردهای نوین و کارآمد در مطالعات دینی، بهره‌گیری از مطالعات میان‌رشته‌ای است (نقیب و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۷). در این نوع پژوهش‌ها، به‌ویژه در مطالعات موضوعی و تحلیلی، ارائه بخش روش تحقیق پیش از ورود به تحلیل تطبیقی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در این مطالعه، انتخاب ۱۲۰ آیه اجتماعی قرآن کریم بر پایه کتاب «تفسیر موضوعی قرآن کریم: جامعه در قرآن» اثر آیت‌الله جوادی آملی انجام شده است؛ اثری که با رویکردی علمی و نظام‌مند، آیات مرتبط با مسائل اجتماعی را گردآوری و دسته‌بندی کرده و مبنای معتبری برای نمونه‌گیری فراهم آورده است. پس از انتخاب آیات، داده‌ها

با روش تحلیل محتوای کیفی و بر اساس چارچوب نظریه کنش گفتاری جان سرل، دسته‌بندی و کدگذاری شدند. در این فرآیند، مفاهیم و کنش‌های گفتاری هر آیه استخراج و تحلیل گردید. حاصل این مرحله، شناسایی ۲۶۶ پاره گفتار بود که هر یک بخشی از پیام یا مضمون اجتماعی قرآن را بازتاب می‌دهد. این پاره‌گفتارها مورد بررسی قرار گرفت و انواع کنش‌های گفتاری موجود در آن‌ها، با توجه به ویژگی‌های زبانی و کارکردی، طبقه‌بندی شد. نتایج این تحلیل، که در جدول شماره یک ارائه شده است، بسامد و درصد هر یک از انواع کنش‌های گفتاری در آیات اجتماعی قرآن کریم را نشان می‌دهد.

پس از استخراج ۲۶۶ پاره گفتار از ۱۲۰ آیه اجتماعی قرآن کریم و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس انواع کنش‌های گفتاری (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی)، برای تعیین سهم هر نوع کنش از کل پاره‌گفتارها، از روش آمار توصیفی فراوانی و درصد استفاده شد. محاسبه درصد هر نوع کنش گفتاری به این صورت انجام شد که تعداد هر کنش در جدول، بر مجموع کل پاره‌گفتارها (۲۶۶) تقسیم و حاصل در ۱۰۰ ضرب گردید. این روش برای سایر انواع کنش‌ها نیز به همین صورت اعمال شد.

۵. تحلیل آیات اجتماعی قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل

پیش از ورود به بحث تحلیل کنش‌های گفتاری آیات اجتماعی قرآن کریم ضروری است ابتدا جدول انواع کنش‌های گفتاری و بسامد هر یک ارائه شود. ارائه جدول انواع کنش‌های گفتاری و میزان تکرار آن‌ها، زمینه‌ساز فهم بهتر و دقیق‌تر از کارکردهای زبانی و اجتماعی آیات قرآن خواهد بود و امکان تحلیل عمیق‌تری از پیام‌های اجتماعی قرآن بر اساس این نظریه فراهم می‌آورد.

جدول شماره ۱: جدول مربوط انواع کنش‌های گفتاری

نوع کنش گفتاری	تعداد	درصد
اظهاری	۹۵	۳۵٫۷۱٪
ترغیبی	۹۲	۳۴٫۵۹٪
عاطفی	۳۵	۱۳٫۱۶٪
اعلامی	۲۶	۹٫۷۷٪
تعهدی	۱۸	۶٫۷۷٪
مجموع	۲۶۶	۱۰۰٪

با توجه به جدول ارائه‌شده، بیشترین سهم متعلق به کنش‌های اظهاری (۳۵/۷۱٪) و پس‌از آن کنش‌های ترغیبی (۳۴/۵۹٪) است. کنش‌های عاطفی، اعلامی و تعهدی به ترتیب با (۱۳/۱۶٪)، (۹/۷۷٪) و (۶/۷۷٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کنش‌های اظهاری بیانگر گزارش واقعیت‌ها، توصیف وضعیت‌ها، بیان حقایق اجتماعی و اخلاقی و تبیین آموزه‌های دینی است. در آیات اجتماعی قرآن، خداوند اغلب با بیان واقعیت‌های اجتماعی، وضعیت مؤمنان و کافران و توصیف پیامدهای اعمال، به مخاطب آگاهی می‌دهد. سلامت و سعادت جامعه در تمام ابعاد آن از جمله مسائل مهمی و حیاتی است که در قرآن کریم به آن پرداخته شده است و مورد تأکید دین اسلام است. (نورمحمدی، فیروز مهر، ۱۴۰۲: ۷۳) این امر نشان‌دهنده نقش محوری قرآن در ارائه جهان‌بینی و چارچوب فکری برای جامعه اسلامی است. کنش‌های ترغیبی نیز در جایگاه دوم و با فاصله اندکی با کنش‌های آمده‌اند. این کنش‌ها شامل فرمان‌ها، توصیه‌ها، نهی‌ها و دعوت به انجام یا ترک رفتارهای اجتماعی است. بخش عمده‌ای از آیات اجتماعی قرآن، مخاطبان را به رفتارهای اخلاقی و اجتماعی صحیح دعوت می‌کند و از رفتارهای ناپسند باز می‌دارد. این بسامد بالا نشان‌دهنده تأکید قرآن بر هدایت عملی و نقش تربیتی آن در جامعه است. کنش‌های عاطفی در رتبه

سوم قرار دارند. این کنش‌ها شامل ابراز احساسات، نگرش‌ها و عواطف الهی نسبت به رفتارهای اجتماعی انسان‌هاست؛ مانند ابراز رضایت، خشم، لعنت یا ستایش. کنش‌های اعلامی بیانگر مواردی هستند که خداوند با بیان خود، وضعیت حقوقی یا اجتماعی جدیدی را ایجاد یا تثبیت می‌کند. این سهم نسبتاً پایین نشان می‌دهد که آیات اجتماعی قرآن بیشتر بر تبیین و هدایت تأکید دارند تا بر ایجاد وضعیت حقوقی جدید. کنش‌های تعهدی کمترین سهم را به خود اختصاص داده است. این کنش‌ها معمولاً شامل وعده‌ها، تهدیدها یا تعهدات الهی است؛ مانند وعده پاداش یا عذاب. حضور محدود این کنش‌ها نشان می‌دهد که قرآن در حوزه اجتماعی بیشتر بر آگاهی‌بخشی، هدایت و تبیین تأکید دارد تا بر تعهدات مستقیم.

بر این اساس و با توجه به جدول فوق، مشخص می‌شود که دو نوع کنش غالب در آیات اجتماعی، اظهاری و ترغیبی هستند که مجموعاً بیش از ۷۰٪ پاره‌گفتارها را تشکیل می‌دهند. این امر نشان‌دهنده تأکید قرآن بر تبیین واقعیت‌های اجتماعی و هدایت عملی جامعه است. کنش‌های عاطفی، اعلامی و تعهدی، نقش تکمیلی دارند و با اینکه سهم کمتری دارند، اما در انتقال ارزش‌ها، تثبیت احکام و ایجاد انگیزه یا هشدار نقش ایفا می‌کنند؛ بنابراین قرآن کریم در آیات اجتماعی خود، توازنی میان تبیین واقعیت‌ها و دعوت به عمل برقرار کرده و هم‌زمان احساسات و ارزش‌های الهی را نیز به مخاطب منتقل می‌کند.

الف) کنش گفتاری اظهاری

این نوع کنش گفتاری که با ۳۵/۷۱٪ در صدر کنش‌های گفتاری قرار دارد، برای بیان حقایق دینی و اعتقادی، تبیین احکام و توصیف وضعیت مؤمنان و کافران به کاررفته است. قرآن با بهره‌گیری از این نوع کنش‌ها، به بیان آموزه‌های الهی، اخلاقی و اخروی می‌پردازد و ارزش‌های دینی را تبیین می‌کند. خداوند در آیه ۳۸ سوره شوری «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ

شُورَى بَيْتِهِمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» به توصیف ویژگی‌های مؤمنان می‌پردازد و اعمال آنان را بیان می‌کند: استجابت فرمان خدا، برپایی نماز، مشورت در امور و انفاق از روزی خود. از منظر سرل، این نوع بیان در دسته کنش‌های اظهاری قرار می‌گیرد؛ زیرا گوینده با بیان این جملات، واقعیتی را درباره گروهی خاص (مؤمنان) اظهار و توصیف می‌کند.

آیه ۲۷۳ سوره بقره «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» با یک جمله اسمیه آغاز می‌شود و به‌طور خاص گروهی از فقرا را توصیف می‌کند که در راه خدا محصور شده‌اند و به خاطر شرایط خاص، امکان کسب درآمد ندارند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۱: ۵۴۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ۱: ۵۲۹). زحیلی و طبرسی نیز بر این نکته تأکید دارند که خداوند با ذکر نشانه‌ها و ویژگی‌های بارز، این گروه را به مخاطبان معرفی می‌کند تا انفاق‌ها به دست مستحقان واقعی برسد (زحیلی، ۱۴۱۱ ق، ۳: ۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۶۶۶). آیه مذکور به‌صورت نظام‌مند از کنش‌های اظهاری استفاده کرده است تا وضعیت خاص یک گروه از فقرا را توصیف کند و رفتار و ویژگی‌های آنان را شرح دهد. این گزاره‌ها ماهیتاً اظهاری هستند؛ زیرا به توصیف واقعیت‌ها می‌پردازند و از افعال خبری استفاده شده است.

در برخی موارد، کنش گفتار اظهاری به نقد و نفی رفتار اجتماعی منافقان می‌پردازد. برای نمونه، در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره بقره آمده است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ». این آیات، تناقض میان گفتار و کردار منافقان را گزارش می‌دهد که خود را اصلاح‌گر معرفی می‌کنند (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ۱: ۱۰۷؛ صدیق‌حسن‌خان، ۱۴۲۰، ۱: ۷۰). خداوند در ادامه، با یک کنش اظهاری دیگر، ادعای آنان را نقد و نفی می‌کند و به‌صراحت، مفسدان واقعی را همان منافقان معرفی می‌نماید. در این آیات، دو نوع کنش اظهاری دیده می‌شود: اول، کنش اظهاری منافقان

که سعی دارند با زبان و واژه‌های مثبت، اعمال منفی خود را توجیه کنند؛ دوم، کنش اظهاری خداوند که حقیقت را آشکار می‌سازد و ادعای منافقان را رد می‌کند. در آیه ۸ همین سوره نیز نمونه دیگری از کنش گفتار اظهاری دیده می‌شود: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ». در اینجا نیز، همان‌طور که برخی از مفسران (مدرسی، ۱۴۱۹، ۱:۱۰؛ امین، ۱۳۶۱، ش، ۱: ۱۲۶) تأکید کرده‌اند، منافقان برای حفظ موقعیت اجتماعی خود، ایمان را به زبان می‌آورند؛ اما در عمل و درون خود به آن پایبند نیستند. این اظهار زبانی، نمونه‌ای از کنش گفتار اظهاری است که با حقیقت درونی گوینده همخوانی ندارد و نوعی فریبکاری زبانی به شمار می‌رود؛ موضوعی که در ادامه آیات قرآن مورد نکوهش قرار گرفته است.

با توجه به اینکه این نوع کنش در بسیاری از آیات مطرح شده است، در این بخش تنها به چند نمونه از آن اشاره می‌شود. در بخش‌های دیگر مقاله نیز، هنگام بررسی سایر کنش‌ها، بار دیگر به این نوع کنش پرداخته و آن را تحلیل خواهیم کرد.

ب) کنش گفتاری ترغیبی

طبق جدول شماره ۱، کنش گفتاری ترغیبی با ۳۴/۵۹٪ در مرتبه دوم قرار دارد. این نوع کنش در آیات اجتماعی قرآن، عمدتاً از طریق افعالی مانند امر، نهی، هشدار، خواهش، فرمان، توصیه، شرط و استفهام تحقق یافته است. نمونه‌های متعددی از این کنش در آیات اجتماعی قرآن قابل مشاهده است که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. در آیه ۱۲۲ سوره توبه، خداوند با طرح پرسش توییخی، کوتاهی در فراگیری معارف دینی را سرزنش می‌کند: «...فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا...». در این آیه، گوینده می‌کوشد شنونده را به انجام یا ترک عملی وادار کند. خداوند با به‌کارگیری ساختار استفهام توییخی («فَلَوْلَا» = «چرا نرفتند؟»)، مخاطبان را به اقدامی خاص (اعزام گروهی برای تعلم دین) ترغیب می‌کند. «لولا» ادات

تحضیض است که در ابتدای کلام واقع می‌شود. تحضیض عبارت است از ترغیب قوی و شدید بر انجام یا ترک عملی (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ۱۰: ۲۲۷؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ ق، ۱۱: ۷۷). هدف خداوند از این آیه، هماهنگ کردن واقعیت خارجی (رفتار مؤمنان) با خواست خود (تفقه در دین) است. ساختار استفهام توییحی، نشان‌دهنده عتاب و انذار است؛ اما این انذار نه یک دستور صریح بلکه یک دستور غیرمستقیم است تا از خلال آن، کنش را به سطح انگیزشی اخلاقی ارتقا دهد.

خداوند در کارگفتی دیگر در آیه ۶۲ سوره نمل «أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذْكُرُونَ»، با طرح پرسشی انکاری، مخاطب را به تأمل درباره توحید و پرهیز از شرک فرامی‌خواند. کنش ترغیبی در این آیه به وسیله استفهام انکاری توییحی محقق شده است. صورت ظاهری آیه، پرسش از وجود معبودی دیگر همراه با خدا است؛ اما کارکرد واقعی و نهایی آن، انکار امکان وجود شریک برای خدا است.

آیات زیادی نیز در باب سیر و سیاحت در زمین وجود دارد که با استفهام تقریری، جامعه امروزی را به عبرت در آثار گذشتگان وامی‌دارد: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (محمد: ۱۰؛ غافر: ۲۱، ۸۲؛ روم: ۹). این آیه، با استفاده از کنش گفتار ترغیبی غیرمستقیم و با طرح پرسشی تقریری و تعجب‌آمیز، مخاطب را به مشاهده و تأمل در سرنوشت گذشتگان فرا می‌خواند تا از خطاهای آنان عبرت گیرد (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۳: ۴۹؛ کاشانی، بی تا، ۷: ۱۶۲). گرچه ساختار آیه استفهامی است، اما هدف اصلی آن، تشویق غیرمستقیم به سیر و تفکر در تاریخ و آثار گذشتگان است. بررسی دقیق آیه سه مرحله علمی را نشان می‌دهد: مرحله اول، سیر و سیاحت؛ مرحله دوم، نظر و نگریستن؛ و مرحله آخر، درک عاقبت است (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۲۱: ۱۷). مدل ارائه‌شده در آیه یعنی مشاهده عینی (یسیروا)، تحلیل عقلی (ینظروا) و نتیجه‌گیری اخلاقی (عاقبة) از خلال ساختار استفهامی، کارکرد اجتماعی و تربیتی آیه را تشدید می‌کند.

نوع دیگر از کارگفت‌های ترغیبی در قالب افعال امری آمده است. از نمونه‌های آن، آیه ۲۱ سوره بقره است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۲۱). در این آیه، خداوند چند نکته اساسی را بیان می‌کند: ۱. برای برانگیختن حس شکرگزاری مردم و جذب آن‌ها به عبادت پروردگار، از مهم‌ترین نعمت شروع می‌کند که نعمت خلقت و آفرینش همه انسان‌ها است؛ ۲. دلیل عبادت که همان ربوبیت و خالقیت خداوند است؛ ۳. نتیجه این پرستش، تقوا و پرهیزگاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۱۷). آیه با فعل امری «اعْبُدُوا» آغاز می‌شود و مخاطب را مستقیماً به انجام عمل عبادت دعوت می‌کند. گوینده با استفاده از این فعل امری، شنونده را به انجام یک عمل (عبادت) فرا می‌خواند و با عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» پایان می‌یابد. «لعل» در اصل زبان برای امیدواری و طمع‌ورزی است؛ اما در قرآن، امیدواری از جانب یک بخشنده (خداوند) است. در اینجا، «لعل» به این معناست که خداوند متعال از بندگانش می‌خواهد که با عبادت و بندگی، به پرهیزگاری برسند. این امیدواری از جانب خداوند کریم، نشان از رحمت و لطف او نسبت به بندگانش دارد و این انگیزه را در آن‌ها تقویت می‌کند که تلاش کنند تا به مقام پرهیزگاری دست یابند (حوی، ۱۴۲۴ ق، ۱: ۹۵).

خداوند در آیه ۳۲ سوره اسراء «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَةَ الَّتِي كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»، زنا را عملی بسیار قبیح دانسته که موجب فساد جامعه و نابودی نسل‌ها می‌شود (قرشی، ۱۳۹۱، ۶: ۶۵). خداوند به صورت مستقیم و با نهی، مخاطبان را از نزدیک شدن به زنا باز می‌دارد. این نهی، خواست و اراده گوینده را منتقل می‌کند و هدف آن تأثیرگذاری بر رفتار شنونده (مؤمنان) است تا از زنا و حتی مقدمات آن دوری کنند. بیان علت (زشتی و بدی راه زنا) نیز نقش تقویتی برای این کنش ترغیبی دارد و مخاطب را بیشتر به پذیرش و عمل به نهی وادار می‌کند.

ج) کنش گفتاری عاطفی

این نوع کنش که با ۱۶/۱۳٪ در رتبه سوم قرار دارد، تقریباً در تمام موارد در

ضمن کنش‌های دیگری قرار گرفته است. در آیه ۲۵ سوره رعد که با گزاره‌ی خبری شروع می‌شود، سه ویژگی منفی بارز برای کفار با سه فعل «يَنْقُضُونَ»، «يَقْطَعُونَ» و «يُفْسِدُونَ» بیان شده است: «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ». در این آیه، حالت و وضعیت پیمان‌شکنان و مفسدان در زمین توصیف می‌شود. این توصیف‌ها، گزارش واقعیت و بیان ویژگی‌های منفی برخی انسان‌هاست؛ بنابراین این بخش از آیه دارای کنش اظهاری است. عبارت «مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» بیانگر شدت انتقاد است، یعنی نقض میثاق می‌کنند و به پیمانی که بسته‌شده وفا نمی‌کنند (طنطاوی، ۱۹۹۹ م، ۷: ۴۷۳). خدای متعال بعد از بیان این ویژگی‌ها، با جملاتی سرشار از کنش عاطفی و شدت خشم و عصبانیت، لعنت خود را بر آنان می‌فرستد و جهنم را به‌عنوان بدترین جایگاه برای آنان در نظر می‌گیرد (مراغی، بی‌تا، ۱۳: ۹۷). در لحن آیه، نوعی نکوهش و ابراز نارضایتی شدید نسبت به رفتار این افراد دیده می‌شود. واژه‌هایی مانند «لعنت» و «سرانجام بد» نشان‌دهنده خشم و نارضایتی الهی است که به‌صورت عاطفی بیان شده است.

در آیه دیگری از قرآن نیز همین واکنش شدید نسبت به کسانی که به زنان پاکدامن و باایمان تهمت می‌زنند، دیده می‌شود؛ خداوند این افراد را به مجازات در دنیا و آخرت تهدید می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۲۳). در این آیه، فعل «لُعْنُوا» و عبارت «عذاب عظیم» نمونه‌ای بارز از کنش گفتار عاطفی است. خداوند با این تعبیر، احساس خشم، نفرت و انزجار خود را نسبت به تهمت‌زنندگان به زنان پاکدامن بیان می‌کند.

یکی از بارزترین کنش‌های گفتاری عاطفی در قالب درخواست و تقاضاست. در آیه ۷۴ سوره فرقان در وصف «عباد الرحمن» آمده است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتَنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». صیغه امر در دو فعل «هَبْ» و «اجْعَلْنَا» بیانگر دعای بندگان رحمان در مناجات با خداست و از

پروردگارشان درخواست ازواج و اولاد صالح و همچنین پیشوا بودن برای متقیان را دارند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۶: ۱۱۹). در این آیه، بندگان خدا با گفتن «رَبَّنَا هَبْ لَنَا...» و «اجْعَلْنَا...»، ضمن درخواست از خداوند، احساسات عمیق خود را نسبت به خانواده و جایگاه معنوی ابراز می‌کنند. واژه‌هایی مانند «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (مایه روشنی چشم) بیانگر آرزوی قلبی و عاطفی برای داشتن خانواده‌ای شایسته و آرامش‌بخش است که به‌وضوح یک حالت عاطفی و تمنای درونی را نشان می‌دهد. یکی از نمونه‌های زیبای دعاهای حضرت ابراهیم، در آیات زیر بیان شده است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ...» (بقره: ۱۲۶) و «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ...» (ابراهیم: ۳۵). این جملات، خواهش‌ها و دعاهایی هستند که امید و ایمان به منبع بی‌پایان الهی را نشان می‌دهند. در دو آیه مذکور، کنش گفتار عاطفی بر اساس نظریه جان سرل به‌وضوح قابل شناسایی است؛ زیرا ابراهیم (ع) از طریق زبان، احساسات و نگرانی‌های خود را نسبت به آینده شهر و نسلش به خداوند ابراز می‌کند.

د) کنش گفتاری اعلامی

طبق جدول شماره ۱، این نوع کنش گفتاری با ۷۷/۹٪ در رتبه چهارم قرار دارد و زمانی رخ می‌دهد که گوینده از قدرت و صلاحیت لازم برای انجام کاری برخوردار باشد و هدفش، اعلام شرایط جدید به مخاطب است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۹). کنش اعلامی در قالب افعال مختلف بیان شده است. خداوند در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذُوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ اَرْتَبْتُمْ لَا نُشْرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ» (مائده: ۱۰۶)، واقعیت‌هایی را درباره شرایط شهادت و اهمیت صداقت در گواهی بیان می‌کند و به مخاطب یادآور می‌شود که کتمان شهادت، گناه بزرگی است. این بخش‌ها، کنش اظهار

دارند. در پایان آیه، بیان می‌شود که اگر شهادت کتمان شود، شاهدان از گناهکاران خواهند بود (إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ). این بیان، وضعیت حقوقی و معنوی جدیدی را برای شاهدان کتمان کننده شهادت اعلام می‌کند و کنش اعلامی دارد. البته دو نوع کنش ترغیبی (فرمان و دستور به رعایت احکام شهادت و صداقت در گواهی) و کنش تعهدی (سوگند و تعهد شاهدان به راست گویی و عدم کتمان شهادت) در این آیه نیز قابل مشاهده است. بر این اساس، خداوند از خلال کنش ترغیبی، مؤمنان را به رعایت دقیق احکام اجتماعی و اخلاقی دعوت می‌کند و هم‌زمان با کنش‌های اظهاری، تعهدی و اعلامی، ابعاد مختلف حقوقی، معنوی و اخلاقی شهادت را تبیین می‌نماید.

در آیات ۱۸۰ و ۱۸۳ سوره بقره: «كَتَبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ ... حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (۱۸۰) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱۸۳)، در چارچوب نظریه جان سرل در تحلیل کنش‌های گفتاری، چندین کنش اعلامی قابل شناسایی است. عبارت «كَتَبَ عَلَيْكُمْ» با صراحت یک حکم شرعی جدید را به‌عنوان هنجار اجتماعی اعلام می‌کند. در نظریه سرل، اعلامی‌ها نیاز به «مرجع صلاحیت‌دار» دارند که در اینجا خداوند به‌عنوان مقنن عمل می‌کند. عبارت «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» نیز یک وضعیت حقوقی و شرعی جدید را اعلام می‌کند. جمله «كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» یک واقعیت حقوقی-دینی جدیدی را ایجاد می‌کند و عبارت «كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» در واقع تاریخ‌مندی حکم روزه را اعلام می‌کند و نشان می‌دهد این تکلیف، به یک امر جدید نیست، بلکه بخشی از سنت الهی در ادیان پیشین است.

کنش اعلامی در مواردی به‌صورت رتبه‌بندی و امتیاز دادن است که در آیات اجتماعی با الفاظ مختلف مانند «رفع»، «فضّل»، «اصطفینا»، «الأعلون» و «اکرمکم» برتری گروهی بر گروه دیگر را اعلام کرده است. در آیه ۶۵ سوره انعام از انسان با عنوان خلیفه یاد شده است و منظور این است که مردم هر دوره‌ای جانشین مردم دوره پیش از خود هستند. در ادامه می‌فرماید: «وَرَفَعَ

بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ»، خداوند درجه بعضی را بر درجه دیگران بالا برده است و این برتری را به طور مطلق اعلام کرده است؛ یا از لحاظ رزق، یا صورت، عقل، عمر، مال و نیرو (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۳۹) تا شما را به آنچه داده است آزمایش کند: «لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ». دو واژه «رفع» و «لیبلوکم» هر دو بیانگر کنش اعلامی است. در آیه‌ی دیگر با بیان و اعلام اینکه برخی را بر دیگری برتری دادیم و این برتری را با واژه «فَضَّلَ» و به طور خاص در «رزق» بیان می‌کند: «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ» (نحل: ۷۱). در آیه ۲۴۷ سوره بقره خدا پیامبرش را بر دیگران برتری می‌دهد و مراد برتری حضرت طالوت بر قوم بنی اسرائیل است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ». در آیه ۱۳۹ سوره آل عمران «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، ضمن هشدار به مسلمانان نسبت به ضعف و اندوه در مقابل دشمنان، اعلام می‌کند که شما فقط به شرط ایمان برتر هستید. اگر جمله «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ...» را مطلق آورد و بالا دست بودن مسلمانان را مقید به هیچ قیدی به جز ایمان نکرد، برای این بود که به ما بفهماند شما مسلمانان اگر ایمان داشته باشید نباید در عزم خود سست شوید و نباید به خاطر اینکه بر دشمنان ظفر نیافته‌اید، اندوهناک گردید؛ زیرا ایمان امری است که با علو شما قرین و توأم است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۲۶). در آیه ۱۳ حجرات تنها ملاک برتری را مقید به تقوا کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». در این آیه خدای متعال اعلام می‌کند که اینکه شما را در حیات اجتماعی به صورت شعب و قبایل مختلف، نژاد، رنگ، حسب و نسب آفریدیم، سبب تفاخر و تفاضل نمی‌شود. بلکه برتری شما فقط به تقواست و جایگاه اجتماعی افراد با همین ملاک و معیار تعیین می‌شود (دروزه، ۱۴۲۱ ق، ۸: ۵۲۱).

در مواردی کنش اعلامی به صورت معرفی یک دسته از افراد است. در آیه ۸۸ سوره توبه، خدای متعال در مورد پیامبر (ص) و کسانی که همراه ایشان ایمان آوردند، جهاد کردند و هجرت کردند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ

وَأَنْفُسِهِمْ»، ضمن اینکه پایان و عاقبت این افراد را با تعبیر «وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ» اعلام می‌کند، از ایشان با عنوان «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» نام می‌برد. همین‌طور در آیه ۲۰ همین سوره با تعابیر دیگری از این افراد یاد می‌کند که عاقبت و پایان کار ایشان درجات عظیمی نزد خداست: «أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ» و ایشان از جمله رستگاران‌اند: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ». در آیه ۱۸ سوره زمر، ضمن یادآوری صفات بندگان مؤمن «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»، از ایشان با عنوان «وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» نام می‌برد. در آیه ۲۷ سوره بقره هم به معرفی فاسقان می‌پردازد که سه ویژگی دارند: ۱. شکستن پیمان و عقود، زیرا پیمان‌ها اعتماد بین افراد جامعه را بیشتر می‌کند و انسجام جامعه را حفظ می‌کند؛ ۲. آن‌ها پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع می‌کنند؛ ۳. در زمین فساد می‌کنند و نظم جامعه را به هم می‌ریزند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۱: ۲۰۲). درنهایت آنان را خسران‌زده می‌داند: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». در تمام این آیات، بعد از بیان ویژگی‌های افراد، سرانجام آن‌ها را اعلام می‌کند: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ «وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»؛ «وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ».

در آیه ۲۸۲ سوره بقره، کنش گفتاری اعلامی به صورت گسترده حضور دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ لَهُ بِالْعَدْلِ وَأَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشَّاهِدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمِكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» این آیه، طولانی‌ترین آیه قرآن است و به صراحت بر لزوم ثبت قراردادهای مالی و تجاری میان مردم

تأکید می‌کند. در این آیه، احکام و مقررات دقیق اجتماعی و اقتصادی برای جلوگیری از اختلاف و نزاع و تضمین رشد سالم سرمایه‌ها بیان شده است (امین، ۱۳۶۱، ۲: ۴۴۷؛ مکارم، ۱۳۷۱، ۲: ۳۲). همچنین، حلال بودن معامله «سلم» و حرام بودن ربا و لزوم تعیین دقیق زمان سررسید قرارداد از دیگر نکات این آیه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۶۸۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ق، ۱: ۱۶۴؛ مغنیه، ۱۴۲۵، ق: ۶۰). عبارت «فَاكْتُبُوهُ» یک حکم حقوقی جدید را ایجاد می‌کند که طبق آن، کلیه معاملات اعتباری باید مکتوب شوند. عبارت «وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ» به تعیین شرایط کاتب و جمله «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ» به شرایط تنظیم مقررات شاهدگیری اشاره دارند. عبارت «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً» در واقع به استثنائات قانونی و لزوم تفکیک حقوقی بین معاملات نقدی و اعتباری اشاره دارد. «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا» نیز عدم الزام به ثبت معاملات نقدی را به صورت رسمی اعلام می‌دارد و عبارت «وَلَا يَضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ» به تعیین مسئولیت‌ها و ممنوعیت‌ها اشاره دارد؛ یعنی از این پس هیچ کس حق ندارد به نویسنده یا شاهد آسیب برساند؛ و در نهایت، با عبارت «وَأِنْ تَفَعَّلُوا فإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ» به پیامد حقوقی تخلف اشاره دارد. این آیه نمونه کاملی از کارکرد قانون‌گذاری قرآن است که با کنش‌های اعلامی متعدد، پایه‌های نظام حقوقی اسلام در معاملات را بنیان نهاده است.

۵) کنش گفتاری تعهدی

این کنش گفتاری با ۶/۷۷٪، در رتبه آخر کنش‌های گفتاری قرار دارد. بررسی آیات اجتماعی قرآن نشان می‌دهد که در برخی از آن‌ها، گوینده برای اطمینان خاطر مخاطب، به‌طور آشکار، تعهد و التزام خود را به انجام یک عمل بیان می‌کند. یکی از نمونه‌های بارز کنش تعهدی، سوگند خوردن است. در آیه ۶۵ سوره نساء، خداوند متعال برای نقد رفتار اجتماعی منافقان و تقویت تعهد و صداقت واقعی، به خود سوگند یاد می‌کند: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُواك فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَزَجًا مِمَّا قُضِيَتْ وَدَسَلُوا تَسْلِيمًا...». در

این آیه، خداوند با عبارت «فَلَا وَرَيْبَ» به خود سوگند یاد می‌کند. این سوگند، یک کنش گفتاری تعهدی است. «خداوند متعال تأکید می‌کند که حقیقت ایمان، برخلاف تصور برخی، با مخالفت با حکم پیامبر به دست نمی‌آید. سپس خداوند با سوگند بیان می‌کند که هرگز ایمان نمی‌آورند، مگر این که تو را در اختلافات خود داور قرار دهند و پس از صدور حکم تو، هیچ ناراحتی و دل‌تنگی در دلشان احساس نکنند و کاملاً تسلیم باشند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۱۰۷). اجزای کنش گفتاری بر اساس سرل در این آیه عبارت‌اند از: گوینده که خداوند متعال است، مخاطب که پیامبر و مؤمنان است و کنش گفتاری که در سوگند (تعهدی) محقق شده است.

در برخی موارد، قرآن به سوگند خوردن منافقان اشاره کرده است. در آیه ۱۰۷ سوره توبه، اهداف پنهان منافقان از ساخت مسجد ضرار بیان می‌شود؛ از جمله آسیب رساندن به مسلمانان، تقویت کفر، ایجاد تفرقه میان مؤمنان و فراهم کردن پایگاهی برای دشمنان خدا و پیامبر (ص). در پایان این آیه، به سوگند دروغین منافقان برای فریب افکار عمومی اشاره شده است (طوسی، بی‌تا، ۵: ۲۹۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۸: ۲۵). آن‌ها ادعا می‌کردند که هدفی جز نیکی ندارند، اما خداوند گواهی می‌دهد که قطعاً دروغ می‌گویند و پیامبر (ص) را از باطل بودن سخنانشان آگاه می‌سازد (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ۶: ۱۴۷). سرل تأکید می‌کند که در کنش‌های تعهدی، گوینده با بیان خود، تعهدی نسبت به آینده یا یک واقعیت به عهده می‌گیرد. در این آیه، منافقان با گفتن «لَيُخْلِفَنَّ إِنَّ أَرْضَنَا إِلَّا الْحُسْنَى» سوگند یاد می‌کنند و به صورت زبانی خود را متعهد و ملزم به نیت خیر معرفی می‌کنند. گوینده (منافقان) تلاش می‌کند مخاطبان (پیامبر و مسلمانان) را قانع کند که نیتشان خیر بوده و مسئولیت نیت خود را به عهده می‌گیرند؛ اما آیه تصریح می‌کند که این تعهد زبانی، دروغین است و با واقعیت نیت و عمل منافقان مطابقت ندارد: «وَاللَّهِ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»؛ بنابراین کنش تعهدی آن‌ها فاقد صداقت و اعتبار است و خداوند با شهادت خود، بطلان و نادرستی این تعهد را افشا می‌کند.

در میان کنش‌های گفتاری تعهدی، وعده و تهدید (وعد و وعید) از جمله نمونه‌های شاخص هستند که گوینده با بیان آن‌ها خود را به انجام یا ترک کاری متعهد می‌داند. بیشترین فراوانی کنش تعهدی نیز مربوط به همین وعده و وعید است. آیه نفی سبیل (نساء: ۱۴۱) درباره منافقانی است که نسبت به سرنوشت مسلمانان و کافران موضع روشنی ندارند و همواره به دنبال منافع خود هستند. آنان در جنگ احد همراه پیامبر اکرم (ص) شرکت نکردند و منتظر بودند تا نتیجه جنگ مشخص شود. اگر مسلمانان پیروز می‌شدند، به آن‌ها می‌گفتند: «أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ؟» و اگر کافران پیروز می‌شدند، به آن‌ها می‌گفتند: «أَلَمْ نَسْتَحِوْذُ عَلَيْكُمْ؟». سپس در بخش پایانی آیه «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، ۱. وعده داوری نهایی در قیامت که نوعی کنش گفتار تعهدی است؛ یعنی خداوند به صورت قطعی و الزام‌آور اعلام می‌کند که قیامت میان شما حکم خواهد کرد. ۲. خداوند با تأکید (لن)، تعهد می‌کند که هرگز برای کافران بر مؤمنان راه تسلطی قرار نخواهد داد. این جمله یک کنش گفتار تعهدی است.

در آیات پایانی سوره غاشیه: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ... إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ»، خدای متعال خطاب به پیغمبر (ص) در مقابل کفار می‌فرماید: وظیفه تو فقط تذکر و خوف از عذاب آخرت است و زور و قدرتی فعلاً بر آنان نداری و ضمن اینکه نوعی دلداری و تسلی خاطر به پیغمبر (ع) است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۶: ۴۳۶)، به او این اطمینان خاطر و وعده را می‌دهد که جزای اعمال آن‌ها با ماست؛ چه ثواب بر پاداش و چه عقاب بر معاصی و این جامع بین وعد و وعید است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۷۲۹). علت تقدیم خبر (علینا) به جهت مبالغه در وعید است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۱۴: ۲۵۷).

۶. نتایج

- این پژوهش به تحلیل ۱۲۰ نمونه از آیات اجتماعی قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل پرداخته و پنج نوع کنش گفتاری اظهاری، ترغیبی،

عاطفی، اعلامی و تعهدی را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از این کنش‌ها در آیات اجتماعی قرآن با اهداف خاصی به کار رفته‌اند. کنش‌های اظهاری با ۳۵/۷۱٪ بیشترین فراوانی را داشته و برای بیان حقایق دینی و اعتقادی، تبیین احکام و توصیف وضعیت مؤمنان و کافران به کار رفته‌اند و قرآن با بهره‌گیری از این نوع کنش‌ها، به بیان آموزه‌های الهی، اخلاقی و اخروی پرداخته و ارزش‌های دینی را تبیین کرده است. پس‌از آن، کنش ترغیبی با ۳۴/۵۹٪ عمدتاً از طریق افعال امری، نهی، هشدار و استفهام تویخی تحقق یافته است؛ امری که نشان می‌دهد خداوند در پی هدایت عملی و جهت‌دهی رفتاری مؤمنان است؛ بنابراین، بسیاری از آیات قرآن جنبه دستوری دارند و بر اصلاح رفتار و عمل مسلمانان تأکید می‌کنند. کنش‌های عاطفی، اعلامی و تعهدی به ترتیب با ۱۳/۱۶٪، ۹/۷۷٪ و ۶/۷۷٪ نقش کم‌رنگ‌تری در ۱۲۰ آیه مورد نظر دارند و غالباً در کنار سایر کنش‌ها ظاهر شده‌اند. کنش عاطفی با ۱۳/۱۶٪ در آیاتی که بیانگر احساسات الهی مانند خشم، نفرت یا همدردی هستند، مشاهده شده است. حضور اندک کنش‌های اعلامی با ۹/۷۷٪ در آیات، نشان‌دهنده تمرکز این بخش بر آموزش‌های عملی و اخلاقی، نه بر تغییر وضعیت‌های حقوقی است. کنش تعهدی با ۷۷/۶٪ در قالب سوگندها، وعده‌ها و تهدیدهای الهی ظاهر شده است. البته کنش‌های اعلامی و تعهدی در مواردی که خداوند واقعیتی جدید را ایجاد می‌کند (مانند اعلان جنگ یا وعده پاداش)، یا در آیات مربوط به تشریح احکام (مانند وصیت، روزه و حج) دیده می‌شوند.

- این تحلیل نشان می‌دهد که قرآن کریم بیش از هر چیز بر هدایت عملی، ترغیب به رفتارهای نیک و نهی از زشتی‌ها و نیز تبیین حقایق الهی تمرکز دارد.

- این تحلیل، صرفاً یک بررسی نظری یا توصیفی نیست؛ بلکه می‌تواند پیامدها و دستاوردهای مهمی برای زندگی اجتماعی معاصر مسلمانان و حتی جامعه انسانی داشته باشد. چنانکه مشاهده شد قرآن کریم در آیات اجتماعی خود، بیش از هر چیز بر هدایت عملی، ترغیب به رفتارهای نیک، اصلاح رفتار و تبیین حقایق الهی تأکید دارد.

- این رویکرد می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاران، مربیان، معلمان و فعالان فرهنگی باشد تا در طراحی برنامه‌های آموزشی، تربیتی و اجتماعی، از زبان و سبک گفتاری قرآن الگوبرداری کنند. به‌ویژه استفاده از کنش‌های اظهاری و ترغیبی در انتقال پیام‌های اخلاقی و اجتماعی، می‌تواند به تقویت گفتمان مثبت، همدلی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح رفتارهای فردی و جمعی در جامعه امروز کمک کند.

- این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات کاربردی‌تر در حوزه‌های آموزش و پرورش، رسانه، تبلیغ دینی و مدیریت اجتماعی باشد تا شیوه‌های گفتاری قرآن به‌عنوان الگویی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

منابع

* قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ ق). تفسیر التحرير و التنوير. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). بیروت: دارالکتب العلمیه. امین، نصرت بیگم. (۱۳۶۱). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ ق). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

چیمن، شیوان. (۱۳۸۴). از فلسفه به زبان‌شناسی. ترجمه حسین صافی. تهران: گام نو. جوادی آملی عبدالله. (۱۳۹۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم. چاپ پنجم. قم: مرکز نشر اسراء. حسنونند، صحبت الله. (۱۳۹۸). «تحلیل متن سوره مریم بر اساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل». پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۷، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲۶. صص ۴۵-۶۵. حسینی، معصوم؛ رادمرد، عبدالله. (۱۳۹۴). «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار». جستارهای زبانی. دوره ۶، شماره ۳. صص ۶۵-۹۲.

حوی، سعید. (۱۴۲۴ ق). الاساس فی التفسیر. قاهره: دارالسلام. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). ولایت فقیه، حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. دروزه، محمد عزه. (۱۴۲۱ ق). التفسیر الحدیث. بیروت: دار الغرب الاسلامی. دسترنج، فاطمه؛ ذوالفقاری، محسن. (۱۳۹۹). «تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش گفتاری جان سرل». فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی. دوره ۸، شماره ۲. شماره پیاپی ۳۰. صص ۷۱-۹۴.

رشید رضا، محمد. (۱۴۱۴ ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه. زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. دمشق: دارالفکر. زرقانی، مهدی؛ اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار». مجله ادبیات عرفانی زنجان. سال سوم. شماره ۶. صص ۶۲-۸۰. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.

سرل، جان راجرز. (۱۳۸۵). افعال گفتاری؛ جستاری در فلسفه زبان. ترجمه محمدعلی عبداللهی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. شمس الدینی گورزانی، مرضیه؛ گلی، مهراناز؛ رضوی دوست، غلامرضا. (۱۴۰۰). «تحلیل متن شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل». مطالعات ادبی متون اسلامی. دوره ۶، شماره ۱۹ - شماره پیاپی ۱۹. صص ۴۹-۷۵.

صدیق حسن خان، محمد صدیق. (۱۴۲۰ ق). فتح البیان فی مقاصد القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه. طباطبایی، محمدحسین. (۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری). بیروت: دارالمعرفه. طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷ م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. قاهره: نهضه مصر. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عقدایی، فاطمه و خاکپور، حسین. (۱۳۹۷). «تحلیل متن شناختی سوره لقمان بر اساس نظریه کنش گفتار سرل». *مطالعات ادبی متون اسلامی*. دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۹-۳۵.
 فان دایک، تئون. (۱۹۹۹م). *علم النص: مدخل متداخل الاختصاصات*. ترجمه سعید حسن البحیری. قاهره: دارالقاهره للكتاب.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک.
 قرشی بنایبی، علی اکبر. (۱۳۹۱). *احسن الحدیث*. قم: نشر نوید اسلام.
 قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
 قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (بی تا). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
 کریمی بیرانوند، نادر؛ علی پورعبدلی، شیرمحمد؛ ملکی، یداله. (۱۴۰۳). «تحلیل معنا شناختی قول در قرآن و نقش اقوال مطلوب در ارتباطات اجتماعی». *قرآن و علوم اجتماعی*. (۴). صص ۴۰-۷۱
 Doi: ۲۰۲۴/۲۱۶۷۶۰/۱۰/۲۲۰۳۴/۲۰۲۵

کوک، گای. (۱۳۸۸). *زبان شناسی کاربردی*. ترجمه مصطفی حسرتی. فریبا غضنفری و عامر قیطوری. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی کرمانشاه.

مؤدب، سیدرضا؛ رضایی آدریانی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «ضرورت استنباط سبک زندگی از قرآن». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. دوره ۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱، صص ۱۱۱-۱۲۸.

مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار معجی الحسین.
 مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دارالفکر.

مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۵ ق). *التفسیر المبین*. قم: دارالکتاب الاسلامی.
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطوری، حسین. (۱۴۰۰). «تحلیل سوره مرسلات بر پایه نظریه کنش گفتاری تلفیق نظریه‌های آستین و سرل». *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*. شماره ۱۳، صص ۲۰۱-۲۱۹.

ملاابراهیمی، عزت؛ سپهر، ابوالفضل. (۱۴۰۱). «کنش گفتاری سرل در گستره کاربردشناسی زبان (مطالعه موردی سوره یاسین)». *پژوهشنامه تأویلات قرآنی*. دوره ۴، شماره ۸، صص ۱۴۳-۱۶۶.

نحله، محمود احمد. (۲۰۰۳ م). *آفاق جدیدة فی البحث اللغوی المعاصر*. قاهره: دارالمعرفه.
 نقیب، سیدمحمد؛ یوسفی تازه‌کندی، عباس؛ سازجینی، مرتضی. (۱۳۹۵). «مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی». *مجله تفسیر پژوهی اثری*. دوره ۳، شماره ۵، صص ۲۰۹-۱۷۷.

نورمحمدی، حسن؛ فیروز مهر، محمد مهدی. (۱۴۰۲). «پیامدهای اجتماعی حرام‌خواری در ابعاد اقتصادی و فرهنگی از منظر آموزه‌های قرآن کریم». *قرآن و علوم اجتماعی*. (۳). صص ۵۵-۷۳.

Doi: ۲۰۲۴/۱۸۷۹۸۷/۱۰/۲۲۰۳۴/۲۰۲۳

یول، جورج. (۱۹۸۳م). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه‌ی محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
 Searl, John. (۱۹۷۵). *Rationality in Action*. Cambridge, MA: MIT Press.

References:

Holy Qur'an

Aghdai, Fatimeh and Khakpour, Hossein. (2018). "Taḥlīl-i Matn-shinākhtī-yi Sūreh-ye Luqmān bar Asāsi Nazariyyeh-i Konish Goftār-i Searle." *Moṭāla'āt-i Adabī-yi Mutūn-i Islāmī*, Vol. 3, No. 10, pp. 9–35.

Amin, Nusrat Begum. (1982). *Tafsīr Makhzan al-'Irfān dar 'Ulūm-i Qur'ān*. Tehran: Nahzat-i Zanān-i Musalmān.

Bayḍāwī, 'Abd Allāh ibn 'Umar. (1997). *Anwār al-Tanzīl wa-Asrār al-Tāwīl*. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.

Chapman, Sivan. (2005). *Az Falsafe be Zabān-shināsī*. Tr. Ḥusayn Šāfi. Tehran: Gām-i Nū.

Cook, Guy. (2009). *Zabān-shināsī-yi Karburdī*. Trans. Muṣṭafā Ḥasratī, Farībā Ghazanfarī, and 'Amīr Qayṭūrī. Kermanshah: Razi University Press.

Darwaza, Muḥammad 'Izzat. (2000). *al-Tafsīr al-Ḥadīth*. Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī.

Daṣṭaranj, Fatimeh; Zolfaghari, Mohsen. (2020). "Taḥlīl-i Sākhtār-i Sūreh-ye al-Shams bar Mabnā-i Nazariyye-i Konish-i Goftārī-yi John Searle." *Quarterly Journal of Adabī-Qur'ānī*, 8(2), no. 30, pp. 71–94.

Faḍlallāh, Muḥammad Ḥusayn. (1999). *Min Waḥy al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Malāk.

Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar. (2000). *al-Tafsīr al-Kabīr (Mafāṭīḥ al-Ghayb)*. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.

Ḥasanvand, Soḥbatallah. (2019). "Taḥlīl-i Matn-i Sūreh-ye Maryam bar Asās-i Nazariyye-i Konish-i Goftārī bā Tākīd bar Olgū-ye John Searle." *Quarterly Journal of Adabī-Qur'ānī*, 7(2), no. 26, pp. 45–65.

Ḥusaynī, Ma'sūm; Rādmard, 'Abd Allāh. (2015). "Tāthīr-i Bāft-i Zamānī-Makānī bar Taḥlīl-i Konish-i Goftār." *Jostārḥā-yi Zabānī Journal*, 6(3), pp. 65–92.

Ḥuwayy, Sa'īd. (2003). *al-Asās fī al-Tafsīr*. Cairo: Dār al-Salām.

Ibn 'Ashūr, Muḥammad Ṭāhir. (2000). *Tafsīr al-Taḥrīr wa-al-Tanwīr*. Beirut: al-Mu'assasa al-Tārīkh al-'Arabī.

Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar. (1998). *Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm (Ibn Kathīr)*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.

Javadi Amoli, 'Abd Allah. (2018). *Tafsīr Mawḍū'ī-i Qur'ān-i Karīm*. Qom: Isra Publishing Center.

Karimi Beiranvand, Nadir; Alipourabdoli, Shirmohammad; Maliki, Yadoleh. (2024). "Taḥlīl-i Ma'nā-shinākhtī-i Qawl dar Qur'ān wa Naqsh-i Aqwāl-i Maṭlūb dar Irtibāṭāt-i Ijtimā'ī." *Qur'ān wa 'Ulūm-i Ijtimā'ī*, 4(4), pp. 40–71. DOI: 10.22034/arq.2025.216760

Kāshānī, Faṭḥ-Allāh ibn Shukr-Allāh. (n.d.). *Manhaj al-Šādiqīn fī Ilzām al-Mukhālīfīn*. Tehran: Kitābḥāyeh-i Islāmiyyah.

Khomeini, Ruhollah. (1999). *Wilāyat-i Faqīh: Ḥukūmat-i Islāmī*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.

Makārim Shīrāzī, Nāšir. (1992). *Tafsīr-i Nemūneh*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.

Marāghī, Aḥmad Muṣṭafā. (n.d.). *Tafsīr al-Marāghī*. Beirut: Dār al-Fikr.

Moadīb, Seyyed Reza; Rezaei Adriani, Ibrahim. (2017). "Ḍarūrat-i Istinbāt-i Sabk-i Zindigī az Qur'ān." *Research Journal of Tafsīr wa Zabān-i Qur'ān*, Vol. 6, No. 1 (Serial No. 11), pp. 111–128.

Molla Ibrahim, Ezzat; Sepehr, Abolfazl. (2022). "Konish Goftār-i Searle dar Goštāreh-i Karbord-shināsī-i Zabān (Moṭāle'eh-i Mowridī: Sūreh-ye Yāsīn)." *Journal of Tāwīlāt-i Qur'ānī*, Vol. 4, No. 8, pp. 143–166.

Motouri, Hossein. (2021). "Taḥlīl-i Sūreh-ye al-Mursalāt bar Pāyeh-i Nazariyyeh-i Konish Goftār-i Talfīq-i Nazariyyeh-hā-i Austin va Searle." *Āmūzih-hā-i Tarbiyatī dar Qur'ān wa*

- Hadīth, No. 13, pp. 201–219.
- Mudarrisī, Muḥammad-Taqī. (1998). *Min Hudā al-Qur'ān*. Tehran: Dār Muḥibbī al-Ḥusayn.
- Mughniyah, Muḥammad Jawād. (2004). *al-Tafsīr al-Mubīn*. Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī.
- Naḥlah, Maḥmūd Aḥmad. (2003). *Āfāq al-Jadīdah fī al-Baḥth al-Lughawī al-Mu'āṣir*. Cairo: Dār al-Ma'rifah.
- Naqīb, Sayyid-Muḥammad; Yūsufī Tāzah-Kandī, 'Abbās; Sāzjīnī, Murteza. (2016). "Moṭāla'āt-i Miyyān-reshteh'ī-yi Qur'ān-i Karīm va Tamāyuz-i ān bā Pazhūhish-hā-yi Taṭbīqī va Tafsīr-i 'Ilmī." *Journal of Tafsīrpazhūhī-i Atharī*, Vol. 3, No. 5, pp. 177–209.
- Nūr-Muḥammadī, Ḥasan; Firūzmehr, Muḥammad-Mehdī. (2023). "Payāmad-hā-yi Ijtimā'ī-yi Ḥarām-khārī dar ab'ād-i Iqtisādī va Farhangī az Manzar-i Āmūzeh-hā-yi Qur'ān-i Karīm." *Qur'ān wa 'Ulūm-i Ijtimā'ī*, 3(3), pp. 55–73. DOI: 10.22034/arq.2023.187987
- Qummī Mashhadī, Muḥammad ibn Muḥammad Riḍā. (1989). *Tafsīr Kanz al-Daqā'iq wa-baḥr al-Gharā'ib*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Qurashī Banā'ī, 'Alī-Akbar. (2012). *Aḥsan al-Ḥadīth*. Qom: Navid-i Islam Press.
- Qurṭubī, Muḥammad ibn Aḥmad. (1985). *al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān*. Tehran: Nasir Khosrow.
- Rashīd Riḍā, Muḥammad. (1993). *Tafsīr al-Qur'ān al-Ḥakīm al-Shahīr bi-Tafsīr al-Manār*. Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Searl, John. (1975). *Rationality in Action*. Cambridge: MIT Press.
- Searle, John Rogers. (2006). *Af'al-i Goftārī; Jostārī dar Falsafe-i Zabān*. Tr. Muḥammad-'Alī 'Abdullāhī. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Sciences.
- Shams-edini Gorzanagi, Marzieh; Goli, Mehrnaz; Razavidoost, Gholamreza. (2021). "Taḥlīl-i Matn-shinākhtī-i Sūreh-ye al-Zumar bar Mabnā-i Nazariyyeh-yi Konish Goftār-i Searle." *Moṭāla'āt-i Adabī-yi Mutūn-i Islāmī*, Vol. 6, No. 19 (Serial No. 19), pp. 49–75.
- Šiddīq-Ḥasan Khān, Muḥammad Šiddīq. (2000). *Faṭḥ al-Bayān fī Maqāšid al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Tabarī, Muḥammad ibn Jarīr. (1992). *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān (Tafsīr al-Ṭabarī)*. Beirut: Dār al-Ma'rifah.
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. (1970). *al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Mu'assasat al-'Alamī li-l-Maṭbū'āt.
- Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1993). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Nasir Khosrow.
- Ṭanṭāwī, Muḥammad Sayyid. (1997). *al-Tafsīr al-Wasīṭ li-l-Qur'ān al-Karīm*. Cairo: Naḥdat Miṣr.
- Tha'ālibī, 'Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad. (1997). *Jawāhir al-Ḥisān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (n.d.). *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Van Dijk, Theon. (1999). *'Ilm al-Naṣṣ: Madkhal Mutadakhil al-Ikhtiṣāṣāt*. Trans. Sa'īd Ḥasan al-Buḥayrī. Cairo: Dār al-Qāhirah li-l-Kitāb.
- Yule, George. (1983). *Karbord-shināsī-yi Zabān*. Trans. Muḥammad 'Amūzādeh and Manuchehr Tawangar. Tehran: SAMT Publications.
- Zamakhsharī, Maḥmūd ibn 'Umar. (1987). *al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa-'Uyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Tawīl*. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Zarghani, Mehdī; Akhlaqi, Elham. (2012). "Taḥlīl-i Jānri-Shaṭḥ bar Asās-i Nazariyye-i Konish-i Goftār." *Journal of Adabīyāt-i 'Irfānī-i Zanjan*, 3(6), pp. 62–80.
- Zuḥaylī, Wahba. (1990). *al-Tafsīr al-Munīr fī al-'Aqīda wa-al-Sharī'a wa-al-Manhaj*. Damascus: Dār al-Fikr.

| Extended Abstract |

A Cognitive-Textual Approach to the Social Verses of the Qur'an Based on John Searle's Speech Act Theory

Zohreh Babaahmadi Milani, Abdolvahid Navidi

Research Objective: This study aims to conduct a textological analysis of the social verses of the Qur'an based on John Searle's speech act theory. Its primary objective is to uncover the linguistic and social functions of these verses and to elucidate their role in guiding, reforming, and directing the individual and collective behavior of the Islamic community. Adopting an interdisciplinary approach, the study seeks to reveal the latent communicative and semantic dimensions of 120 selected social verses, demonstrating how the Qur'an employs various types of speech acts—assertive, directive, expressive, declarative, and commissive—to convey its social messages.

Research Methodology: The study was conducted using a descriptive-analytical method, employing qualitative content analysis. The sample consisted of 120 social verses randomly selected based on the book "Tafsir-e Mawdu'i-ye Qur'an-e Karim: Jami'eh dar Qur'an" (Thematic Exegesis of the Holy Qur'an: Society in the Qur'an) by Ayatollah Javadi Amuli. These verses were divided into smaller semantic units, resulting in a total of 266 utterances. Each utterance was then coded according to John Searle's Speech Act Theory and classified into five categories of speech acts. The frequency percentage of each type of speech act was calculated using descriptive statistics.

Findings: The findings indicate that two types of speech acts—assertive (35.71%) and directive (34.59%)—constitute the largest share of the social verses. These are followed by expressive (13.16%), declarative (9.77%), and commissive (6.77%) acts, respectively. Assertive acts are primarily employed to state religious truths, explain rulings, and describe the conditions of believers and disbelievers. Directive acts include exhortations and recommendations, commands and prohibitions, warnings, reproachful questions, and negations, all aimed at encouraging or discouraging specific behaviors. Expressive acts are used to convey emotions such as anger, affection, supplication, satisfaction, or aversion, with the purpose of exerting a deeper impact on the audience. Declarative acts serve to announce new legal or social rulings and to introduce or classify individuals and groups. Finally, commissive acts are utilized to express divine promises, threats, and oaths.

Conclusion: The results demonstrate that the social verses of the Qur'an, through a deliberate combination of speech acts—particularly assertive and directive—convey over 70% of their messages in the form of explaining realities and guiding the practical conduct of society. The other types of speech acts play a complementary role in transmitting divine values, generating motivation or warning, and consolidating social rulings. This indicates that, in the social domain, the Qur'an maintains a balance be-

tween theoretical enlightenment and the call to action. Furthermore, the application of John Searle's Speech Act Theory enables a more precise understanding of the linguistic and functional dimensions of these verses and can contribute to the development of innovative approaches to social exegesis and the practical application of Qur'anic teachings in addressing contemporary societal issues.

Keywords: Social Verses of the Qur'an; Cognitive-Textual Analysis; Speech Act Theory; John Searle